

# از سیاست‌گذاری تا سنجش فرهنگی رویکردها و تجربه‌های جمهوری اسلامی ایران

حامدالدین آشنا

با همکاری:

هادی اسماعیلی

محمدصادق اسماعیلی

سید مجید امامی

محمدحسین پورمحمدی

محمدحسن حسن‌پور

سیدوحید علی‌نعمانی



سرشناسه آشنا: حسام‌الدین، ۱۳۴۳ -  
 عنوان و نام پدیدآور از سیاست‌گذاری تا سنجش فرهنگی: رویکردها و تجربه‌های جمهوری اسلامی ایران/ حسام‌الدین آشنا؛ با همکاری هادی اسماعیلی... [و دیگران].  
 مشخصات نشر تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۶.  
 مشخصات ظاهری ۳۶۳ ص: مصور.  
 شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۰۸۰-۵  
 وضعیت فهرست‌نویسی فیا  
 یادداشت با همکاری هادی اسماعیلی، محمدصادق اسمعیلی، سیدمجید امامی، مصطفی پورمحمدی...  
 یادداشت کتابنامه: ص. ۲۵۳.  
 موضوع سیاست فرهنگی -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴  
 شوع Cultural policy -- Iran -- History -- ۲۰th century  
 شناسه روده اسماعیلی، هادی، ۱۳۶۷ -  
 سه افز پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
 دایره ی بگرمه ۱۳۹۶ س ۹/۵ DSR۶۵  
 رده ی دی ۹۵۵/۰۸  
 شماره کتابشناسی ملی ۴۹۹۱۳۷۰

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
 عنوان: از سیاست‌گذاری تا سنجش فرهنگی: رویکردها و تجربه‌های جمهوری اسلامی ایران  
 نویسنده: حسام‌الدین آشنا و همکاران  
 صفحه‌آرا: حسین آذری  
 نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۹۷  
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
 قیمت: ۲۷۰۰۰۰ ریال  
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۲-۰۸۰-۵



همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.  
 در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات  
 صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵ تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳، دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶ Email: nashr@ricac.ac.ir

## فهرست مطالب

|                                                                            |     |
|----------------------------------------------------------------------------|-----|
| مقدمه                                                                      | ۱   |
| بخش اول: سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران                                  |     |
| فصل اول: مستندسازی و ارزیابی سیاست های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران          | ۱۳  |
| بخش دوم: مستندسازی و ارزیابی شاخص های فرهنگی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی |     |
| فصل دوم: شاخص های تحولات فکری، بینشی و رفتاری                              | ۳۷  |
| فصل سوم: شاخص های مصرف کالاها و خدمات فرهنگی                               | ۵۱  |
| فصل چهارم: شاخص های توسعه فرهنگی، نیروی انسانی، فضاهای و تجهیزات فرهنگی    | ۵۹  |
| بخش سوم: مستندسازی و ارزیابی آماره های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران          |     |
| فصل پنجم: گزارش و تحلیل پژوهش ارزش ها و نگرش های ایرانیان                  | ۸۷  |
| فصل ششم: گزارش و تحلیل پژوهش رفتارهای فرهنگی ایرانیان                      | ۱۱۳ |
| فصل هفتم: گزارش و تحلیل پژوهش فضاها و فرهنگی ایران                         | ۱۴۳ |
| ضمیمه ۱: نسبت شاخص های فرهنگی با پروژه های ملی                             | ۱۸۹ |
| ضمیمه ۲: نقد و بررسی شاخص های فرهنگی پیشنهادی                              | ۲۱۳ |
| ضمیمه ۳: بررسی و معرفی تفصیلی مهم ترین طرح های طراحی شاخص                  | ۲۲۵ |
| ضمیمه ۴: جدول مادر، نسبت سیاست های فرهنگی و شاخص ها                        | ۲۹۵ |
| فهرست منابع                                                                | ۳۵۳ |

## مقدمه

مجموعه سه جلدی «از سیاست برای تا سنجش فرهنگی» حاصل یک تجربه دانشگاهی است که هدف آن طراحی چارچوبی بومی در عین حال قابل مقایسه در سطح بین‌المللی برای سنجش عملکرد و آثار سیاست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران است. این تجربه با عنوان برنامه پژوهشی بازنگری «شاخص‌های فرهنگی ایران» با علامت اختصاری «شفا» حاصل تعامل پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و دانشگاه امام صادق (ع) است. طراحی چنین چارچوبی برای سنجش و امتناع است. از یک طرف، ساده است چراکه نمونه‌های ملی و بین‌المللی آن وجود دارد. از طرف دیگر طراحی آن برای جمهوری اسلامی ایران مشکل می‌نماید چراکه تلاش‌های متعدد برای تدوین چارچوب و شاخص‌های ایرانی و اسلامی سیاست‌گذاری فرهنگی تاکنون مورد اجماع صاحب‌نظران و سیاست‌ورزان حوزه فرهنگ قرار نگرفته است. چرایی این عدم اجماع شاید علاوه بر دلایل علمی و اجرایی، به فضای

پر ابهام در نسبت دولت و فرهنگ در ایران بازگردد؛ هرچند به نظر می‌رسد چالش نظری اخیر در کوتاه‌مدت قابل تدبیر نباشد اما بیش از این نمی‌توان ارزیابی میزان حصول به اهداف و ترسیم روندهای سیاست‌گذاری فرهنگی را نادیده گرفت.

«شفاف» برای پرهیز از دچار شدن به سرنوشت نمونه‌های مشابه ۴ تدبیر را دنبال کرده است که امید است از نظر محتوا و روش مورد توجه سایر پژوهشگران نیز قرار گیرد: ۱. توجه به مبانی نظری و پیش‌فرض‌های محتمل در تولید چارچوب‌های سنجش فرهنگی به معنی توجه به فلسفه فرهنگ، انسان‌شناسی فرهنگی و همچنین رویکردهای سیاست فرهنگی، اتخاذ روش‌شناسی متناسب و در نظر گرفتن محدودیت‌های روشی متعارف، ۲. مطالعه تجربه‌های پیشین در تولید شاخص‌های فرهنگی از دیگر تأثیرات این تجربه‌ها منحصر به نمونه‌های ملی و بین‌المللی موجود نیست که پژوهش‌های داخلی مشابه را نیز در نظر می‌گیرد. بهره‌گیری حداکثر از پژوهش‌های پیشینی در جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه آن گروه از این پژوهش‌ها که به مرحله تولید داده و آماره رسیده‌اند، امکان تولید شاخص‌های درستی و ترسیم وضعیت فرهنگی در گذر زمان را فراهم می‌کند. این مزیت می‌تواند حتی ضعف تئوریک یک شاخص را تا حدود زیادی جبران نماید. ۳. اتخاذ رویکرد استقرائی در تولید چارچوب ملی به این معنی که هرچند رویکردهای مرسوم از تعریف فرهنگ شروع می‌کنند و به حوزه‌های سیاست‌گذاری و سنجش فرهنگی ختم می‌شوند اما در این پژوهش مسیری معکوس پیموده شده است و مصادیق سیاست فرهنگی در جهان و ایران به‌دقت استخراج و دسته‌بندی شده است. چارچوب نهایی، نه یک الگوی صرفاً نظری بلکه تلفیقی از مبانی نظری و تجربه‌های عملی در جهان و جمهوری اسلامی ایران است.

به این ترتیب، جلد اول این مجموعه به مبانی نظری و روشی و بررسی تجربه‌های جهانی تولید چارچوب‌های و شاخص‌های فرهنگی اختصاص دارد. جلد دوم، تجربه جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌گذاری، تولید شاخص و آماره‌های فرهنگی را مورد مطالعه قرار می‌دهد و جلد سوم به ارائه چارچوب پیشنهادی اختصاص می‌یابد.

کتابی که در استان شماس، جلد دوم از مجموعه سه‌جلدی است، به بررسی و مستندسازی تجربه جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌گذاری، شاخص‌سازی و جمع‌آوری آماره‌های فرهنگی پرداخته است. همان‌طور که فرهنگ مفهومی پیچیده، پر تعریف و چند وجهی است، سیاست‌گذاری و سنجش نتایج حاصل از این سیاست‌ها نیز دارای همین ویژگی‌هاست. به ویژه در جمهوری اسلامی ایران که مداخله دولت در فرهنگ، گسترده و عمیق است و شامل ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای عمرانی شده؛ ابنا سیاستی و شاخص‌های حوزه فرهنگ نیز گاهی کلان، آرسبی و فراگیر نگاشته شده و در مواردی عملیاتی، واقعی و بخشی، تنظیم شده است.

هدف از این پژوهش در مرحله اول، فتن ارتباط بین سطوح کلان و میانی سیاست‌فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران است. در مرحله دوم، به ارتباط و نسبت اسناد سیاست‌فرهنگی و شاخص‌های فرهنگی مصوب شورای انقلاب فرهنگی، توجه شده است. مرحله سوم، امکان سنجش و فراهم آوردن داده‌های آماری، برای شاخص‌های فرهنگی مصوب از سه طرح ملی «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، «رفتارهای فرهنگی ایرانیان» و «فضاهای فرهنگی ایران» است.

کتاب براساس مراحل سه‌گانه پیش‌گفته، از سه بخش و هفت فصل تشکیل شده است.

بخش اول «مستندسازی و ارزیابی سیاست‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» است. این بخش، یک فصل دارد. هدف آن یافتن ارتباط

بین سطوح کلان و میانی سیاست فرهنگی در اسناد سیاستی جمهوری اسلامی ایران است. به این منظور، اسناد کلان و میانی به شیوه زیر، انتخاب و بررسی شده است:

اسناد سیاست فرهنگی بررسی شده در این پروژه، به ترتیب سطوح آن، زمان اعتبار و تداوم آن، عبارت است از: قانون اساسی، سیاست فرهنگی مصوب ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، سند چشم‌انداز و برنامه چهارم توسعه.

الف) قانون اساسی، بالاترین سند سیاستی در تمامی حوزه‌هاست. این قانون، آخرین میثاق ملی است و حاکم بر هرگونه سیاست دیگری است. پس می‌تواند هیچ قانون و سیاستی نباید مخالف آن باشد. قانون اساسی به لحاظ زمان اجرا و اعتبار آن، از جمله قوانین غیرزمان‌مند است، یعنی اعتبار آن منتهی نمی‌شود.

ب) سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، حوزه فرهنگ پس از قانون اساسی به عنوان سیاست کلان و غیرزمان‌مند تلقی می‌شود. به این معنی تا زمانی که این شورا تغییری در آن اعمال نکند، به عنوان پشتوانه هرگونه سیاست‌گذاری فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

ج) چشم‌انداز بیست ساله، مصوب ۱۳۷۴، مجمع تشخیص مصلحت نظام، سند سیاستی کلان دیگری است که این برنامه‌های توسعه را مشخص می‌کند. اعتبار این سند به لحاظ زمانی تا ۱۴۰۴ است و باید در طراحی چهار برنامه توسعه، لحاظ شود. به سبب این سند چشم‌انداز، اهداف فرهنگی است که تصریح نشده، اما بخشی‌هایی از این سند به وضوح و بخش‌هایی نیز ضمنی، به حوزه فرهنگ اختصاص دارد.

د) برنامه توسعه، آخرین سند سیاستی بررسی شده در این پژوهش است. این برنامه، اهداف، اقدام‌ها و نتایج مورد انتظار در پنج سال آتی

کشور را مشخص می‌کند. سیاست‌های کلی و فصل فرهنگ در برنامه چهارم توسعه در این پژوهش بررسی شده است.<sup>۱</sup>

همان‌گونه که اشاره شد، ایجاد ارتباط بین سیاست‌های کلان و میانی فرهنگ، اولین هدف پژوهش پیش‌روست. مطلوب آن است که ارتباط سطوح کلان و میانی سیاست فرهنگی، واضح و تصریح شده باشد. اگرچه قانون اساسی و سند چشم‌انداز به اهداف فرهنگی تصریح نمی‌کند، اما در اصول متعدد از قانون اساسی و چندین بند از سند چشم‌انداز، اهداف فرهنگی به چشم می‌خورد. گروه پژوهشی با ابزار نظری و نگاه وسیع، اصول فرهنگی قانون اساسی را استخراج کرد که دستاورد چشم‌گیر است. همچنین بندهای مرتبط با فرهنگ از سند چشم‌انداز، به همان شیوه پیش‌گفته مشخص شد. سند سیاست فرهنگی و فصل برنامه چهارم توسعه این پیچیدگی را نداشت؛ به‌ویژه آن‌که در برنامه چهارم، اهداف سیاست و اقدام‌های حوزه فرهنگ، مقوله‌بندی و عنوان‌گذاری شده است. فصل اول این کتاب، نتایج عمل به این شیوه و مقایسه سه سند کلان قانون اساسی، سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و سند چشم‌انداز ارائه می‌کند. روابط متناظر این سه سند کلان سیاست فرهنگی در جدول ۱-۱ به تصویر کشیده شده است.

بخش دوم «مستندسازی و ارزیابی شاخص‌های فرهنگی معرب شورای انقلاب فرهنگی» است. این بخش، سه فصل دارد. هدف آن کشف روش نظری حاکم بر طراحی شاخص‌ها و پاسخ به این سؤال است که بر اساس کدام روش نظری، شاخص‌های فرهنگی انتخاب شده است. اسناد پشتیبان تصریح شده‌ای در این زمینه وجود ندارد، البته

۱. در زمان اجرای پروژه، از یک طرف برنامه پنجم توسعه تصویب و ابلاغ نشده بود و از طرف دیگر برنامه چهارم یکی از هدفمندترین جهت‌گیری‌ها در حوزه فرهنگ را در میان برنامه‌های قبلی و بعدی ارائه کرده است.

دلایل منطقی و روش ضمنی در انتخاب شاخص‌ها دیده می‌شود. سه دسته «شاخص‌های تحولات فکری، بینشی، رفتاری»، «شاخص‌های مصرف کالاها و خدمات فرهنگی» و «شاخص‌های توسعه فرهنگی، نیروی انسانی، فضاها و تجهیزات فرهنگی»، سه فصل این بخش است. در هر فصل، تلاش شده است ابتدا مدل شاخص‌ها استخراج شود و سپس نسبت شاخص‌ها با اسناد سیاستی و همچنین امکان فراهم آوردن داده‌های آماری از مجموعه طرح‌های آماری ملی بررسی شود. نتیجه این بررسی نیز - که هر فصل آن به عهده یک گروه پژوهشی بود - در جایی که انتهای هر فصل، خلاصه شده است.

بخش سوم «مستندسازی و ارزیابی آماره‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» است. این بخش نیز سه فصل دارد. مبنای این بخش، بررسی مبانی نظری و پیوندی انجام سه طرح ملی «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، «رفتارهای فرهنگی ایرانیان» و «فضاهای فرهنگی ایران» بوده است. این سه طرح، درک‌ترین طرح‌های پیمایشی حوزه فرهنگ، پس از انقلاب اسلامی است. این سه طرح ملی، سازگار با قانون برنامه سوم توسعه طراحی و اجرا شد. در ماده ۱۶۲ قانون برنامه سوم توسعه و ماده ۱۰۵ قانون برنامه چهارم توسعه چنین آمده بود:

«به منظور شناخت تحولات فرهنگی - جامعه‌ای، افزایش کارایی دستگاه‌های فرهنگی، ساماندهی مجموعه فعالیت‌های مؤثر بر فرهنگ عمومی جامعه و اعمال نظارت مستمر بر فعالیت‌های فرهنگی اقدامات ذیل به عمل خواهد آمد: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موظف است با انجام مطالعات لازم و با مشخص کردن تعاریف و مفاهیم اصلی بخش فرهنگ، برای تعریف شاخص‌های فرهنگی متناسب با اهداف و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی و سیاست‌های فرهنگی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی اقدام و پس از تأیید شورای مذکور با مبنای قرار دادن آنها و با همکاری مرکز آمار ایران به ترتیب ذیل

به تولید اطلاعات مربوط به آنها و اندازه‌گیری تحولات شاخص‌های مزبور، طی سال‌های برنامه سوم، اقدام کند:

۱. هر دو سال یک‌بار تحولات شاخص‌های مربوط به تغییرات فکری، بینشی و رفتاری جامعه را تعیین و برای بررسی در اختیار دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط قرار دهد؛

۲. همه‌ساله تحولات شاخص‌های مربوط به میزان مصرف کالاها و خدمات فرهنگی در کل کشور و مناطق مختلف را تعیین کند؛

۳. همه‌ساله اطلاعات و آمار و تحولات شاخص‌های مربوط به نیروی انسانی، نصابها و تجهیزات فرهنگی اعم از دولتی و غیردولتی را در کل کشور به محکم استان تعیین کند».

تداوم این سه طرح، نویدبخش تولید آمارهای فرهنگی قابل مقایسه است و به این ترتیب امکان طراحی شاخص‌های روندی و ارزیابی سیاست‌های فرهنگی را یک دوره بلندمدت، محقق می‌شود. در فصول سه‌گانه این بخش به بحث و تبادل نظر پرداخته شده است ابتدا بر اساس مبانی نظری و شیوه اجرای مریک از سه طرح - که در مقدمه هر طرح به تفصیل بیان شد - نگاه نقادانه و با استفاده از روش تحلیل ثانویه مدل مفهومی استخراج، تبیین، مود و سپس نسبت شاخص‌های فرهنگی مصوب و نتایج حاصل از این سه طرح ملی مشخص شود. به این ترتیب، در جدول‌های پایانی هر فصل - مانند بخش‌های پیشین - خلاصه نتایج حاصل، ارائه شده است.

نتیجه‌گیری نهایی کتاب که مستندسازی و ارزیابی سیاست‌ها، شاخص‌ها و آمارهای فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران است و از قانون اساسی شروع می‌کند و به جدول‌های آماری منتشر شده در سه طرح ملی پیش گفته، ختم می‌شود در ضمیمه چهارم این کتاب، با عنوان «جدول مادر» نسبت سیاست‌های فرهنگی و شاخص‌ها (از قانون اساسی تا شاخص‌های فرهنگی) ارائه شده است. این جدول،

نتیجه‌گیری، خلاصه و چکیده کل کتاب است.

همچنین این کتاب، سه ضمیمه دیگر نیز دارد. در ضمیمه اول، نمونه‌ای از طرح‌های پیمایشی ملی در حوزه فرهنگ و نسبت آن با شاخص‌های مصوب، بررسی می‌شود. انتظار این است که پیمایش‌های ملی بر مبنای شاخص‌های مصوب و به منظور ارزیابی سیاست‌های فرهنگی طراحی و اجرا شود. در غیر این صورت، مسیر سیاست تا سنجش فرهنگی به خوبی طراحی نشده است. به منظور بررسی این مهم، «پیمایش ملی تحولات فرهنگی (۱۳۸۳)» انتخاب شده است.

ضمیمه دوم، نقد و بررسی یک نمونه شاخص‌های پیشنهادی است. پروژه ملی، مدتی برای طراحی شاخص‌های فرهنگی در کشور انجام شده و می‌شود. تجمع این تلاش‌ها و تصویب یک مجموعه نهایی از «شاخص‌های فرهنگی ملی ایران» تکلیف برنامه سوم و چهارم توسعه و هدف «برنامه پانزدهم بازنگری شاخص‌های فرهنگی ایران» بوده است. این پروژه، نگاهی فراگیر به تمام طرح‌های شاخص‌سازی در جمهوری اسلامی ایران داشته است. برای نمونه، شاخص‌های پیشنهادی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، بررسی و ارزیابی شده است.

ضمیمه سوم، مهم‌ترین طرح‌های طراحی شاخص و سنجش فرهنگی را در ایران معرفی می‌کند. چهارده طرح ملی به این منظور انتخاب و به تفصیل معرفی و با نگاه انتقادی ارزیابی شده است. برخی از این طرح‌ها، اجرای پیمایش‌های ملی یا طراحی شاخص‌های فرهنگی است. برای مثال «پیمایش ملی تحولات فرهنگی» تداوم پیمایشی ملی است که موج اول آن «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران» سال ۱۳۵۳ اجرا شد. همچنین «تبیین شاخص‌های فرهنگی» پروژه دیگری است که در هفت موضوع فرهنگی شاخص‌های ثبتي فراهم کرده است. در مقابل «اصلاح گزارش فرهنگی کشور» و

«متغیرهای استراتژیک فرهنگ»، رویکردی نظری دارد و به دنبال ارائه چارچوب مفهومی برای سنجش فرهنگی است.

تنوع رویکردها نیز در این مجموعه، دیده می‌شود. «تبیین و تدوین شاخص‌های فرهنگی در اسلام»، متکی بر متون دینی در طراحی شاخص‌های فرهنگی است. در مقابل «شاخص‌های فرهنگی رفاه و توسعه» به منظور تبیین و بومی‌سازی شاخص‌های فرهنگی یونسکو، ارائه شده است. برخی از طرح‌ها یک حوزه خاص از فرهنگ را در نظر دارد و در مقابل، طرح‌هایی نیز معرفی می‌شود که نگاهی کلان و جامع، حوزه فرهنگ دارد. برای مثال «مبانی نظری مقیاس‌های دینی»، متمرکز بر وضع دینداری به عنوان مؤلفه‌ای فرهنگی است، در مقابل «متغیرهای استراتژیک فرهنگ»، به دنبال مفهوم‌سازی کل حوزه فرهنگ و ارائه شاخص‌های کم تعداد و کلان‌نگر فرهنگی است که می‌تواند مسیر تحول فرهنگی را با تعداد کمی شاخص و دربرگیری بالا مشخص سازد.

در پایان ضمن تشکر از تمامی پژوهشگران و همکارانی که در برنامه ملی «شاخص‌های فرهنگی ایران» نقش ایفا کردند، ویژه از زحمات آقای محمد محسن حسن‌پور قدردانی می‌کنم که در مدیریت اجرایی، برگزاری همایش «نظام سنجش و پایش حوزه فرهنگ و ارتباطات» و تدوین محصول نهایی این پروژه در قالب کتاب، نقش اصلی را بر عهده داشته‌اند.

ولله الحمد اولاً و آخراً

حسام‌الدین آشنا

شهریور ۱۳۹۶